

حکم زندگی

نینا کاسیان



ترجمه صنم وفقی مجرد

| حکم زندگی |

کاسیان، نینا، ۱۹۲۴ - ۲۰۱۴ م.

Cassian, Nina

حکیم زندگی: گزیده‌ای از اشعار نینا کاسیان / نینا کاسیان؛ ترجمه صنم وفقی مجرد
تهران: نشر ثالث، ۱۴۰۱

۱۹۰ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۰۵-۸۷۸-۰۰

شعر رومانیایی — قرن ۲۰ م.

شعر رومانیایی — قرن ۲۰ م. — ترجمه‌شده به فارسی

شعر فارسی — قرن ۱۴ — ترجمه‌شده از رومانیایی

شناسه افزوده: وفقی مجرد، صنم، ۱۳۶۷ — مترجم

رده‌بندی کنگره: PC۸۴۰/۱۳

رده‌بندی دیویی: ۸۵۹/۱۳۴

شماره کتابشناسی ملی: ۹۰۴۵۲۹۵



PEFC™ FSC

Paper from well-managed forests
and controlled sources.

کاغذ این کتاب از جنگل‌ها و منابع
کاملاً مدیریت‌شده تهیه شده است.

حکم زندگی

نينا کاسيان (الت)

ترجمہ صنم وفقی مجرد



حکیم زندگی گزیده‌ای از اشعار نینا کاسیان

نینا کاسیان
ترجمه صنم وفقی مجرد
ویراستار: بشری شکوری
صفحه آرا: فریدون سامانی پور
طراح جلد: حمید باهو
مجموعه شعر جهان
چاپ اول: ۱۴۰۲ / ۴۴۰ نسخه
لینوگرافی، چاپ و صحافی: نشر ثالث
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۰۵-۸۷۸-۰
همه حقوق محفوظ و متعلق به نشر ثالث است.

قیمت: ۱۲۸۰۰۰ تومان

دفتر مرکزی: خیابان کریمخان زند / بین ایرانشهر و ماهشهر / شماره ۱۵۰ / طبقه چهارم
فروشگاه شماره یک: خیابان کریمخان زند / بین ایرانشهر و ماهشهر / شماره ۱۴۸
فروشگاه شماره دو: اتوبان شهید همت / مجتمع ایران مال / طبقه G3 / شماره ۱۸۳
فروشگاه شماره سه: پاسداران / میدان هروی / مجتمع هدیش مال / طبقه ششم
تلفن گویا: ۸۸۳۱۰۷۰۰ - ۸۸۳۱۰۵۰۰ - ۸۸۳۰۲۴۳۷ - ۷ - ۸۸۳۲۵۲۷۶

salesspublication.com @salesspublication

فهرست

- پیشگفتار مترجم..... ۹
مقدمه ویلیام جی اسمیت..... ۱۱

بخش اول «خلیج متلاطم

- سرمستی..... ۲۹
خاطرات..... ۳۲
جفت..... ۳۴
تکامل..... ۳۶
تصنیف سرباز خشت..... ۳۸
دیالوگ باد و دریا..... ۴۱
مرشد و مارگاریتا..... ۴۴
خلیج متلاطم..... ۴۷
بحث و جدل..... ۴۹

بخش دوم: کهریای سوزان

- اغوا..... ۵۳
بوسه‌ها..... ۵۵
طمع..... ۵۸

۶۲.....	عطش
۶۴.....	درد
۶۷.....	دوست داشتم در سپتامبر باقی بمانم
۶۹.....	آن عشق بود
۷۱.....	عصرگاه است محبوبم
۷۳.....	خلوت
۷۵.....	آماده برای بدرود
۷۶.....	چرا که تو دوست نداری مرا
۷۸.....	مصدر
۷۹.....	سوختن

بخش سوم: میزهای کاملاً پاک

۸۳.....	چهره به چهره
۸۵.....	بی فایده
۸۷.....	گریز
۹۰.....	خفاش جوان
۹۲.....	خون
۹۴.....	او بود زنی زیبا و بدذات
۹۶.....	عاشقانه
۹۸.....	به سان گالیور
۱۰۰.....	ممنون
۱۰۲.....	ارکستر
۱۰۵.....	غرور
۱۰۸.....	پروژه خرد
۱۱۰.....	شن
۱۱۱.....	تمرین های صبحگاهی
۱۱۲.....	بانوی اعجاز
۱۱۴.....	شیخ

۱۱۶.....	گل ولای
۱۱۸.....	بیوه

بخش چهارم: فرمان نیست در دستان من

۱۲۳.....	افلیج‌ها
۱۲۵.....	فیل سبز
۱۲۸.....	سکون مرده‌گون
۱۳۰.....	خرس
۱۳۳.....	آگورافوبیا
۱۳۶.....	حرمت‌شکنی
۱۳۸.....	حکایت
۱۴۰.....	داستان پریان
۱۴۲.....	آن جانور
۱۴۴.....	کرم پيله‌ساز
۱۴۶.....	جدل با هرج و مرج
۱۴۸.....	قوی بزرگ‌منقار
۱۵۰.....	و بدان‌گاه که به پایان می‌رسد تابستان
۱۵۲.....	انسان

بخش پنجم: حکم زندگی

۱۵۷.....	آنچه گفتم با سنجاب
۱۵۹.....	اجرای عجیب
۱۶۱.....	خودنگاره
۱۶۴.....	نمایش فارس
۱۶۶.....	ساییدن و ساییدن
۱۶۸.....	برای منتقدانم
۱۷۰.....	پرندۀ کیوی
۱۷۴.....	باید فروبریزد، شب
۱۷۸.....	دیدگاه

۱۸۰	تکرار
۱۸۲	زندگی پس از مرگ
۱۸۴	مدارها
۱۸۸	سه کشیش
۱۹۰	شعر
۱۹۱	خمیده‌اند روی کتابی، پدر و مادر من
۱۹۳	واکه
۱۹۴	بی بندوباری
۱۹۶	درست نویسی

پیشگفتار مترجم

اولین بار با شعر کاسیان در یکی از مقالات گاردین آشنا شدم؛ در میان انبوه اشعاری از سراسر دنیا که به عنوان عاشقانه‌ترین اشعار مدرن انتخاب شده بودند. کاسیان در لابلای آن‌ها از جذاب‌ترین‌ها بود، اما در ترجمه نخست از آثارش ارتباطی که باید شکل نگرفت و پس از چند سال به گونه‌ای کاملاً غافلگیرکننده خود را غرق شعرهای او دیدم.

برای من نینا کاسیان بهشتی عجیب و غریب اما دوست‌داشتنی است. هر چه بیش‌تر در اعماقش فرومی‌روم، گویی خود را بیش‌تر پیدا می‌کنم، گویی مانند نوزادی گاه‌دستم را کشف می‌کنم و گاه سوراخ گوشم را. بدون شک روزهایی که نینا کاسیان مهمان خانه من بود، شیرین و شگفت بودند و امید آن دارم خوانندگانی باشند که لقمه‌ای از این بهشت رنگارنگ و بدیع سهم آنان شود.

و اما درباره ترجمه: مجموعه پیش‌رو گزیده‌ای است از کتابی انگلیسی که آن خود، گلچینی است از ترجمه اشعار کاسیان از رومانیایی. مجموعه مبدأ من، زیر نظر نینا کاسیان ترجمه شده و حتی برخی اشعار را خود او به انگلیسی برگردانده است. من نیز تمام تلاش خود را به کار برده‌ام تا زبان کاسیان را درک و آن را به فارسی برگردانم. سعی کرده‌ام از کم‌واضافه کردن بهره‌یزم و فقط در مواردی اندک، به دلیل

درک بهتر یا آهنگ شعر، واژگانی افزوده‌ام که در هیچ مورد به جان شعر آسیبی وارد نشده است. زبان اشعار در انگلیسی (و به نظر می‌آید در رومانیایی) بسیار ساده است و از در دسترس‌ترین کلمات استفاده کرده‌اند. من نیز کوشیده‌ام همین منوال را در نسخه فارسی به کار ببندم. ضمن آن که یکی از معیارهای اصلی‌ام در برگردان اشعار کاسیان، تلاش برای آهنگین کردن شعر بوده است.

هیچ محصولی به تنهایی به ثمر نمی‌نشیند و کتاب حاضر نیز بدون زحمات دوستانی چند هرگز به پایان نمی‌رسید. سپاسگزارم از آقای فؤاد نظیری، شاعر و مترجم خوش قلم و بیش از همه، خوش قلب که از ابتدای ترجمه دوباره مشوق من بود و بدون راهنمایی‌ها و یاری‌های او نینا کاسیان در خانه من مدفون می‌ماند. همچنین ممنونم از دوستان عزیز، روزبه جلیل و مصطفی قدیم‌خانی که در دو دوره ترجمه، در بازخوانی فارسی متن و برطرف کردن ابهامات یاریگر من بودند و همواره به من قوت قلب دادند.

به اعتقاد من انسان حق خطا دارد و هیچ آفریده‌ای خالی از خطا نیست. به رغم کوشش من و یاری دوستان، این موضوع درباره مجموعه حاضر نیز صدق می‌کند. من صمیمانه پذیرای نقد منصفانه منتقدان و پیشنهادهای مهربانانه علاقه‌مندان هستم.

مقدمه ویلیام جی اسمیت^۱

یک

نینا کاسیان را، حتی در ترجمه، شاعری خواهیم یافت از گونه‌ای شگرف و جان‌مند. هنگام آشنایی با او، بی‌درنگ نیاکانش را تشخیص خواهیم داد؛ یک نوگرا، تغذیه‌شده از آثار شاعران فرانسوی که با کمک آثار تی. اس. الیوت^۲ و ازرا پاوند^۳، در تغییر شکل شعر قرن بیست و یکم در اروپا و آمریکا نقشی مؤثر داشتند. و او محصولی بود مشابه، منتها از کشور رومانی. شعر او چیزی که دارد از همان خطوط صاف و مبرهن و بافت ساده چشمگیری که در آثار هموطن او، کنستانتین برانکوزی^۴، می‌توان مشاهده کرد. و مانند او در آثار کاسیان رگه‌هایی از ناخالصی دیده می‌شود که ریشه در فولکلورشان دارد. تنوع گسترده آثار نینا و طبع شوخ او، یادآور تئاتر افسورد^۵ یکی دیگر

۱. William Jay Smith: شاعر آمریکایی که از ۱۹۶۸ تا ۱۹۷۰ به سمت ملک الشعرایی مشاور کتابخانه کنگره در امر شعر برگزیده شده بود. م.

2. T. S. Eliot

3. Ezra Pound

۴. Constantin Brăncuși: مجسمه‌ساز، نقاش و عکاس اهل رومانی. م.

۵. Theatre of the Absurd: تئاتر افسورد یا ابزورد به نمایشنامه‌های خاصی اطلاق می‌شود که پس از جنگ جهانی دوم، اواخر دهه ۱۹۵۰، با موضوعات پوچ‌گرایانه آفریده شدند. م.

از هموطنانش، اوژن یونسکو^۱ است. درون مایه اشعار کاسیان شامل ابدیت، عشق و فقدان و مرگ و زندگی می شود؛ موضوعاتی که در شعر او به گونه ای نادر و کمیاب، و به همان اندازه جالب و گیرا، با مخاطب ارتباطی بی واسطه^۲ برقرار می کنند. آثار او تعهدی شورمند به بزرگ ترین سنت های ادبی، شعر غنایی است. برای این شاعر، زندگی به راستی حکمی تراژیک است. اما حکمی که او در پاسخ به زندگی تنظیم می کند، ترکیبی است از واکه های پاکیزه و تمیز لاتین با هجاهای عقلانی، در کوشش برای باز کردن «درهم گوریدگی ذهن». فقط در شعر است که او می تواند دست یابد به «آن واژه، روستاخانه ای مسکونی». و در شعر است که او مخاطب خود را همراه خویش می برد.

نینا کاسیان شعر را مجاور «شمع وارمر»، در محدوده طلایی «کهربای خالص سوزان» می آفریند. و در آن نور زرین، جسمانیت عشق را واری می کند. در شعر او، همچنان که برای سافو^۳، چشم انداز عاشق سخت مقاومت ناپذیر است:

چشمان تو به تپش وامی دارند هوا را

و جاری می سازند در خانه

جریانی از الکتریسته؛

کشوها گشوده می شوند

و قالی ها

به سان رود

سرازیر از پله ها.

دندان های ستاره گون تو

قلبم را از هم می شکافند،

1. Eugène Ionesco

۲. بی واسطگی در ادبیات به ارتباط ظریف و صمیمی بین متن و مخاطب گفته می شود. اگر متنی فاقد بی واسطگی باشد، احتمال آن وجود دارد که مخاطب قادر نباشد به صورت احساسی با متن، روایت آن و شخصیت هایش ارتباط برقرار کند. م.

3. Sappho

درخشان و سریع

به سان رعد.

و بدان گاه که معشوق ترک می گوید:

سوت می کشد هوا

گویی گرفتار در چنگال سلسله ای از هزاران تیر

که نمی رسند هرگز به هدف هایشان.^۱

و سنگدلی معشوق رفته، پیرامون سر شاعر «به سان هاله ای درخشان و نابودگر» حلقه می زند. مطرود در عشق، شاعر دستانش را به سان لنگرهایی حس می کند که در دو سوی او کشیده می شوند و با شالی از دود سیگارش «به سان ایزادورا^۲» خفه می شود.

خلا، تنهایی و دیگر هیچ...

جستجوی بی فایده است

و تمامی آنچه حقیقت دارد

تردیدهای منند:

تو چه اندازه واقعی هستی؟

تو چه اندازه واقعی بودی؟

هر چیز در شعر کاسیان توصیف حسی^۳ دقیق خود را دارد.

فرشی از پروانه های مرده

زیر پاهایم

۱. این شعر در این دفتر ترجمه نشده است. م.م.

۲. Isadora Duncan: ایزادورا دانکن، رقاصی آمریکایی بود که از محبوبیت قابل توجهی در سراسر اروپا برخوردار شد. او از بیست و دو سالگی تا پنجاه سالگی، در اروپای غربی و اتحاد جماهیر شوروی زیست و رقصید و در نهایت، در اثر گیر کردن شال بلندش به چرخ های ماشین، هنگام سفر به نیس، فوت شد. م.م.

۳. منظور حواس پنج گانه است. م.م.

با جسدهایی بی جان و نرم
(که آن‌ها مرگ‌آخشی^۱ را تجربه نمی‌کنند).

از بیوه «به طرزی آشنونده» بوی «فقدان» برمی‌خیزد:

سگی بومی کشد تنهایی‌اش را
و دور می‌شود از او
پرشتاب و واق‌واق‌کنان.

یاد کودکی شدید است و جسمانی و مادی:

حتی اکنون نیز تیر می‌کشد
استخوان سینه‌ام
آن‌گاه که به‌خاطر می‌آید
چگونه می‌دویدم؟
آخر رایحه‌ی اطلسی‌ها
هجوم آورده بود
به همه‌چیز، به همه‌جا.^۲

اشعار او مملو از موجوداتند، از پرندگان گرفته تا حیوانات خانگی و جانداران عجیب و غریب و خیالی در همراهی با سنجاب‌ها، خرگوش‌ها و میمون‌ها. شعر او جهانی زنده و پویاست (شاعر جای گرفته در مدار^۳)؛ جایی که حتی کوچک‌ترین حواس^۴ به آن نفوذ می‌کند، جایی که او کر می‌شود «با صدای سقوط غبار روی ااثا» و جایی که او عشق را تجربه می‌کند در:

۱. Rigor mortis: جمود نعشی یا ریگور مورتیس حالتی است که پس از مرگ رخ می‌دهد و شامل سخت شدن ماهیچه‌های جانداران می‌شود. واژه «مرگ‌آخشی» را ابن سینا در رساله نبض یا رگ‌شناسی آورده است. م.م.

۲. این شعر در این دفتر ترجمه نشده است. م.م.

۳. اشاره دارد به شعر «مدار». م.م.

۴. به حواس پنجگانه اشاره دارد. م.م.

چاقوهای بلندتیغه در دل شب،
منقارهای مجاور پنجره من...

و می بیند وحشت را:

در نخ بلند، زبر و سپیدی که
عبور می کند از سوزن عمه...
مالش پاهای مگس
به یکدیگر.^۱

فرمان کشتی که خود را سوار بر آن، نشسته به گل می یابد:

همچون عنکبوت،
ثابت روی آسمان چوبین، سخت و انعطاف ناپذیر من.

حتی دلبستگی شاعر به زبان تجربه ای روشن و جسمانی است؛ او سخن می گوید از:

خروسک گلوی من
که لرزان، حساس و مرتعش
در لذتی رومانیایی
منفجر می شود.

با وجود تمام این بی واسطگی ها^۲ در شعر نینا کاسیان (و این جذابیت حسی و بی واسطگی ها از او نویسنده ای درخشان در زمینه ادبیات کودکان ساخته اند)، لحن او هرگز اعتراف گون نشد، بلکه به جای آن شدید و مستقیم و عاری از هر گونه خودترحمی است. او روحیه ای آسیب پذیر و حساس، اما مغرور دارد؛ پرنده نمادین

۱. این شعر در این دفتر ترجمه نشده است..م.

۲. به حواس پنجگانه اشاره دارد و بی واسطگی همان مضمونی است که در صفحات قبل به صورت پانوش، درباره آن گفته شد..م.

او قواست، قویی با منقاری بزرگ، نیمی پرنده و نیمی زن، زیبا و موزون و رازآمیز. یکی از دوستان نینا کاسیان، پتر سولومون^۱، هنگام چاپ اولین آثار او، چنین توصیفش کرده است:

گرچه تا کنون اشعار کاسیان به صورت مجلد به چاپ نرسیده‌اند، شعر او در مجلات گوناگون زمان به طور شاخصی نشانگر صدایی غنایی بودند؛ صدایی قوی و تند، متناسب با نسل سنت‌شکنش. به هوش سرشار او، می‌توان استعداد بی‌نظیرش را در بیان طعنه‌آمیز و انفجاری اضافه کرد. او که به یک اندازه در شعر، موسیقی و نقاشی (آموزش دیده در محضر استادانی نظیر جورج لووندال^۲ و ماکس هرمان ماکسی^۳) برخوردار از استعداد بود، قریحه‌ای نیز داشت فوق‌العاده چشمگیر که با حضور یافتن و عملکردش در میان عموم یا در جلسات ادبی با دوستان صمیمی‌اش نمایان می‌شد. حضور نینا در گروه‌هایی با افراد ناهمگن، به عنوان عامل پیونددهنده، همچون نوعی «چسب» اجتماعی با تأثیر آنی عمل می‌کرد. کافی بود او در میان گروهی حضور یابد تا اعضا با کشف خویشاوندی‌های اختیاری^۴ میان خود، سرزنده و شاداب شوند.

با بداهه‌سُرایی یا نواختن قطعاتی از دبوسی، بلا بارتوک^۵ یا کنستانتین

۱. Petre Solomon: مترجم و شاعر رومانیایی بود که در کارنامه‌اش ترجمه‌هایی از شعرای بزرگ نظیر ویلیام شکسپیر، جان ملتون، چارلز دیکنز، جوزف کتراد، لرد بایرون، هرمان ملویل، پرسی بیش شلی، جک لندن و مارک تواین به چشم می‌خورد. م.

۲. George Löwendal: نقاش روس که سال‌های زیادی از عمرش را در رومانی به سربرد. او را بیش از همه با پرتره‌هایش می‌شناسند. سوژه‌های اصلی او، رعیت‌های رومانیایی بودند. م.

۳. Max Hermann Maxy: نقاش رومانیایی که نقشی مهم در تاریخ نقاشی مدرن رومانی داشت. اولین آثار او متأثر از ساختارگرایی است، اما بعدها سبک‌های متعادلی از مدرنیسم را به کار گرفت. آثار او به واقع‌گرایی و حالت روایی‌شان شهرت داشتند. م.

۴. Elective Affinities: نام رمانی از گوته نیز هست. این اصطلاح علمی اولین بار به منظور تمایل گونه‌های خاص شیمیایی برای ترکیب با گونه‌های خاص دیگر، ساخته شد. در فارسی آن را «خویشاوندی‌های اختیاری» و «پیوندهای گزیده» ترجمه کرده‌اند. م.

۵. Béla Bartók: آهنگساز، موسیقی‌دان و پیانیست اهل مجارستان که از پایه‌گذاران موسیقی‌شناسی قومی به شمار می‌رود. او از مشهورترین آهنگسازان مجار، در کنار فرانتس لیست، است. م.

سیلوستری^۱، نینا در مرکز توجهات قرار می‌گرفت؛ موقعیتی که او به طرق دیگری، به خصوص با گفتگوهای درخشان می‌توانست به آن برسد. به دلیل عقده‌ای که به خاطر صورت دانه‌گونش داشت، نینا همواره می‌کوشید برتری هوشی خود را به شیوه‌ای پرخاشگرانه اثبات کند و با چنین روشی، افرادی را خلع سلاح کند که شاید به «زشتی» او توجه می‌کرده‌اند (که البته این موضوع بیش‌تر امری موهوم بود تا واقعیت).

در نخستین دیدارم با کاسیان در ۱۹۷۰ در بخارست، همان‌گونه که پتر سولومون وصف کرده بود، او را در مرکز حلقه‌ی دوستانش یافتیم؛ مصاحبی جذاب و شوخ‌طبع، اما بدون کم‌ترین نشانه‌ای از هوشمندی پرخاشگرانه. همچنین به هیچ‌گونه زشتی‌ای در چهره‌ی دانه‌وار او پی نبردم: برعکس، به نظر می‌رسید چهره‌ی او بر جذابیت و دلپسندی‌اش می‌افزاید و او را به کل از دیگران متمایز می‌کند.

دو

نینا کاسیان (رنه آنی استفانسکو) بیست‌وهفتم نوامبر ۱۹۲۴ در گالاتی، شهری در حاشیه‌ی دانوب، چشم به جهان گشود. او بعدها، در چند سفر تفریحی، جذابیت این شهر را کشف کرد، چرا که خانواده‌اش، وقتی او دوساله بود، به براشوو نقل مکان کردند؛ شهری باستانی پایین کوه تیمپا در منطقه‌ی ترانسیلوانیا. در همین شهر بود که اول بار کورسی در ۱۵۶۰، نسخه‌ی رومانیایی عهد جدید را به چاپ رسانید؛ اولین کتاب مهم به زبان رومانیایی. نینا کاسیان نوشته است: «براشوو برای من زمینه‌ای ایده‌ئال فراهم آورد، شکوه و جبروت دژ-شهری^۲ به سبک و سیاق اتریش-مجارستانی: دروازه‌های سنگین چوبی که اندرونی‌های اسرارآمیز را پنهان می‌دارند؛ کلیسای سیاه پر عظمت و شکوهمند؛ مسیرهای رو به کوه با سنگفرش باریک از سنگ‌های رودخانه‌ای؛ مه

۱. Constantin Silvestri: آهنگسازی رومانیایی که در کارنامه‌ی خود بیش از چهل قطعه برای ارکستر و آثار ارزشمند دیگر دارد. -م.

۲. Burg: شهرهای محصور در برج و بارو یا قلعه‌های قرون وسطایی. -م.

سبز فام قله‌های جنگل پوش؛ زمستان‌های باشکوه؛ چشمه‌های خنک با سطوح موج
 پرتالو؛ مرغزارهای پوشیده از گل‌هایی با گلبرگ‌های شفاف؛ رگبارهای تند؛ هوای
 معطر و سرزنده. من کودکی‌ای شاد را پشت سر گذاشتم. شهر جمعیتی مختلط از
 رومانیایی‌ها، اتریشی‌های آلمانی‌تبار و یهودی‌ها را در خود جای می‌داد. من در میان
 این گونه‌گونی انسانی پیش می‌رفتم و زبان‌های آن‌ها را می‌آموختم و دوستانی متفاوت
 میانشان داشتم. او ادامه می‌دهد: «تصور بعیدی نیست که چنین پس‌زمینه التقاطی‌ای
 موجب شکل‌گیری جهان‌گرایی در من بوده باشد؛ هرگز اجازه ندادم توانایی درک و
 احترام به منش خاص از گروهی مشخص از مردم در من از دست برود، بلکه برعکس.
 و مراقب بودم از هر گونه قضاوت و تنگ‌اندیشی میهن‌پرستانه دور بمانم. به عنوان
 کودک، شاهد اعیاد مذهبی گوناگونی بودم که در طول سال برگزار می‌شدند؛ بدین
 ترتیب، تمام سال برای من جشنی پیوسته و دایمی بود. به ویژه طرفدار جشن سنت
 نیکولاس، با سنتی اتریشی بودم. لذتی داشت برای من گذاشتن کفش‌هایم روی لبه
 پنجره و یافتن آن صبحگاه که لبریز بود از آبنبات و به خصوص، کیف‌های طلقی قرمز
 روشن که از درون آن‌ها شیطاناتک‌های واقعی مخملی با چنگک‌های طلایی به من
 نیش‌خند می‌زدند. البته با بی‌قراری و شوقی به همان پایه، انتظار مراسم تزئین درخت
 کریسمس را می‌کشیدم؛ و عید پاک با گل‌های حسرت، خرگوش‌های شکلاتی و
 تخم‌مرغ‌های کوچک شکری به رنگ‌های آبی، صورتی و بنفش. مادر و پدر من افرادی
 مذهبی نبودند، بنابراین حتی سنت‌های یهودی که در خانه ما پاس داشته می‌شدند،
 برای من بیش‌تر جنبه سرگرمی و هیجان خوشمزه‌خواری داشت تا ارضای معنوی.»
 زمانی که نینا پنج‌ساله بود، اولین درس پیانویش را فراگرفت و اولین والس خود
 را نوشت؛ همچنین خواندن را آموخت و اولین شعرش را خلق کرد. والدین او
 تحصیلات رسمی چندانی نداشتند، اما پدر او با ترجمه متون فرانسوی و آلمانی و
 برگردان نسخه دقیقی از شعر «غراب» ادگار آلن پو شهرتی کسب کرده بود. نینا مقاطع
 ابتدایی را در مدرسه‌ای یهودی وابسته به کنیسه براشوو گذراند. او تابستان‌هایش را
 در کنستانتا سپری می‌کرد؛ جایی که در آن ساحلی یافت «همچنان بکر و وحشی و
 مملو از تل‌ماسه‌های عظیم، با اتمسفر رنگارنگ یک جهان‌شهر، با پرده‌های مهره‌ای

ورودی آرایشگاه‌ها، با کافه‌ها، اسکله‌های موج‌شسته و بندر و با مجسمهٔ اوید^۱ که در این کرانه‌های بی‌آب‌و‌علف، خود را تبعیدشده یافته بود؛ آن‌گاه که کنستانتا همچنان تومی نامیده می‌شد و در زمستان‌های سردش، شراب در جام‌ها یخ می‌زد.

یازده‌ساله که بود، خانوادهٔ او به بخارست مهاجرت کردند؛ شهری که پدر او مدتی طولانی در آن بیکار بود و خانواده‌اش از خانه‌ای اجاره‌ای به خانهٔ اجاره‌ای دیگر نقل مکان می‌کردند، هر یک فرسوده‌تر از قبلی. نینا تحصیلات دبیرستان خود را در «مؤسسهٔ پمپیلین» آغاز کرد؛ مدرسه‌ای که در آن بر آموزش زبان فرانسوی به شدت تأکید می‌شد. این مؤسسه برای بانوان جوان خانواده‌های مرفه بود، اما گاهی تعداد کمی از دانش‌آموزان با پیش‌زمینهٔ متعادل‌تر را می‌پذیرفت. کاسیان دانش‌آموزی عادی بود و هیچ علاقه‌ای به مطالعهٔ منظم نداشت، مگر در درس‌هایی نظیر زبان‌های خارجی، موسیقی و طراحی؛ درس‌هایی که همیشه با بالا کشیدن نمره، او را در پایان‌ترم نجات می‌دادند. با ورود فاشیسم به رومانی، کاسیان را از «مؤسسهٔ پمپیلین» اخراج کردند و او ملزم شد در دبیرستان مخصوص دختران یهودی ثبت نام کند. او در دوران دانش‌آموزی به کمونیستی دواشته تبدیل شد و اصل سیاسی‌ای را با آغوش باز پذیرفت که حس می‌کرد تمام مشکلات را حل خواهد کرد. نینا گفته است: «من تنها کسی نیستم که در طول تاریخ شاهد چرخش یک آرمان به موقعیتی کاملاً عکس آن است.» ژانویهٔ ۱۹۴۳، در هجده‌سالگی، با ولادیمیر (جنی) کولین ازدواج کرد؛ جوان خوشتیپ یهودی، شاعری کمونیست و از ستایشگران شعر مدرن، به خصوص شعر فرانسه. اما نینا که در ۱۹۴۸ بیست‌وسه سال داشت، با آل‌آی (آلای) استفانسکو ملاقات کرد؛ مسیحی‌ای ده سال بزرگ‌تر از او، فردی باریک‌اندام و کوچک و پرچین‌و‌چروک (در جوانی «کودک پیر» نامید می‌شد)، کسی که در نه‌سالگی یتیم شده بود. او با تلاش خود توانسته بود به دانشگاه راه یابد و به معلم فرانسه، ویراستار مجلهٔ معاصر و بعدها منتقد و رمان‌نویس تبدیل

۱. Ovid: شاعر رومی که هم‌عصر ویرژیل و هوراس بود و اغلب از او به عنوان یکی از سه رکن اصلی شعر لاتین یاد می‌شود. او به دستور مستقیم امپراتور آگوستوس به تومی، در کرانهٔ دریای سیاه، تبعید شد. این شهر امروزه کنستانتا نامیده می‌شود. دربارهٔ دلیل تبعید قطعی وجود ندارد. م.

شود. نینا از کولین جدا شد و با استفانسکو ازدواج کرد. احتمالاً تفاوت کلی عامل دوچندان کردن جذابیت آن‌ها برای یکدیگر بود و آن‌ها را سه دهه و نیم، تا فرارسیدن مرگ استفانسکو، کنار هم نگه داشت. پس از آشفتگی‌های جنگ جهانی دوم و دقیقاً پیش از ملاقات با استفانسکو، نینا کامیایان اولین کتاب خود را با نام در ابعاد یک در یک چاپ کرد؛ مجلدی الهام گرفته از شاعران خیال‌پرداز فرانسوی، مکس ژاکوب^۱، پل ژان توله^۲ و آپولینر^۳. پیش از چاپ کتاب، کامیایان تعدادی از اشعار فرانسوی و همچنین آوازهای دار^۴، اثر کریستیان مورگنشرن^۵، را به رومانیایی ترجمه کرده بود. در نوجوانی که او نوشتن را به طور جدی آغاز کرده بود، متأثر از شاعر بزرگ رمانتیکست، میهای امینسکو^۶، بود و بعدها از تودور آرگری^۷ تأثیر پذیرفت؛ کسی که زبان غنی استعاری‌اش توجه نینا را جلب می‌کرد. اما، همان طور که درباره بسیاری از شاعران رومانیایی صدق می‌کند، در واقع آثار یون باربو^۸ منجر به انقلابی در

۱. Max Jacob: شاعر، نقاش، نویسنده و منتقد فرانسوی. او از دوستان پیکاسو بود و ارتباط دهنده‌ای مهم میان سمبولیست‌ها و سوررئالیست‌ها دانسته می‌شود. -م.

۲. Paul-Jean Toulet: شاعر، رمان‌نویس و پاورقی‌نویس فرانسوی که مدل یا الهام‌بخش جنبش شاعرانه خیال‌پردازی بود. -م.

۳. Guillaume Apollinaire: شاعر، نمایشنامه‌نویس، رمان‌نویس و منتقد هنری فرانسوی که نیاکانش لهستانی - بلاروسی بودند. او را یکی از سرشناس‌ترین شاعران اوایل قرن بیستم می‌دانند؛ همچنین به عنوان یکی از پرشورترین مدافعان کوبیسم و پدر سوررئالیسم شهرت دارد. -م.

۴. Galgenlieder به معنای Gallows Songs در انگلیسی که نوشتن آن ده سال طول کشید و در ۱۹۰۵ به چاپ رسید. -م.

۵. Christian Morgenstern: نویسنده و شاعر اهل مونیخ آلمان بود که شعرش محبوب عموم شد. بخش زیادی از اشعار او از ادبیات یاهو گوئی (Literary nonsense) انگلستان الهام گرفته بودند. -م.

۶. Mihai Eminescu: شاعر رمانتیکست، رمان‌نویس و روزنامه‌نگار رومانیایی و زاده مولداوی بود. از او به عنوان تأثیرگذارترین شاعر رومانیایی یاد می‌شود. همچنین لقب پدر زبان رومانیایی مدرن به او داده شده است. -م.

۷. Tudor Arghezi: نویسنده رومانیایی که خدمات شایانی به شعر و ادبیات کودکان داشت. او احتمالاً از شخصیت‌های برجسته ادبیات بین دو جنگ (جنگ جهانی اول و دوم) در رومانی است و از شاعران مهم قرن بیستم به شمار می‌رود. -م.

۸. Ion Barbu: شاعر و ریاضیدان رومانیایی بود که از بزرگ‌ترین شاعران رومانیایی قرن بیستم و احتمالاً بزرگ‌ترین آن‌هاست. -م.

سبک کاسیان شد؛ باربو، ریاضیدانی با نام واقعی دان باریلیان که به اندازه استفان مالارمه^۱، پیچیده و مبهم و اصیل بود. کاسیان به همان پایه شاعران فرانسوی، آثار باربو را الگوی خود قرار داد و این موجب شد به فرم متمرکزی از سبک سوررنال در اولین مجلد خود دست یابد. هنوز در آثار کاسیان می‌توان رگه‌هایی از سوررنال را مشاهده کرد، اما او آشکارا تصریح کرده که هرگز کاملاً هوادار نظریه سوررنالیسم نبوده است. سوررنالیسم آثار او شبیه به سوررنالیسم فولکلور رومانی است. نینا کاسیان نیز، مانند یونسکو، به اورموز^۲ دین داشت؛ کسی که روح غنی هجو در آثارش الهام‌بخش سوررنالیست‌ها بود. به عنوان مثال سوسوی حضور خون‌آشام‌ها را در شعر کاسیان می‌توان دید؛ شعرهایی که گاه‌گاه آکنده از خون و وحشت هستند، اما اغلب با حاشیه‌ای از کمندی سیاه و معمولاً همراه با رگه‌ای از پوچ‌گرایی. کاسیان با کتاب اولش، به عنوان دشمن توده آماج حمله مراجع قدرت قرار گرفت. سپس کوشید سبک خود را با پیروی از خط‌مشی حزب تغییر دهد. او از دامنه لغات خود کاست و سعی داشت فقط از واژگانی استفاده کند که بدون هیچ‌گونه زبان استعاری، برای توده قابل درک باشد. همچنین تشبیهات، همگی یکسان ظاهر شوند. او در شعری، لنین را نشسته پشت میزش توصیف کرد، در حالی که نور تابیده از پنجره، جوهردان او را تبدیل به لامپی آبی و بزرگ کرده بود. این شعر منجر به رسوایی شد: او را متهم کردند که به قصد سرودن شعری درباره جوهردان و لامپ آبی، از لنین فقط به عنوان یک دستاویز استفاده کرده است. او با صداقت و اعتقاد راسخ، چهار کتاب دیگر نوشت که اکنون از نظر زیبایی‌شناسی آن‌ها را نمی‌پسندند. وجدان او آسوده بود، اما استعدادش در تاریکی فروخته بود. تخیلی که ناچار شده بود از آن دست بکشد، در کتاب‌هایش برای کودکان به کار می‌رفت؛ کتاب‌هایی که در آن‌ها می‌توانست با بازی لغات، دلی از عزا دریاورد. سرانجام بین ۱۹۵۵ تا

1. Stéphane Mallarmé

۲. Urmuz: نویسنده و وکیل رومانیایی بود که به قهرمان فرقه‌ای در صحنه آوانگارد رومانی تبدیل شد. آثار پراکنده او شامل شعر و نثرهای پوچ‌گرایانه می‌شود. این آثار آغازگر ژانری جدید در ادبیات رومانی بودند و تخیل چند نسل از مدرنیست‌ها را مجذوب خود کردند. -م.

۱۹۵۷، او متوجه شد که دیگر قادر به نوشتن نیست. کاسیان مدتی به ساخت قطعات موسیقایی روی آورد. او در این باره می گفت که نت های موسیقی را نمی توان در فرهنگ لغت پیدا کرد و کسی نمی تواند او را برای اشاراتی متهم کند که در قطعات موسیقایی اش به کار بسته. در ۱۹۵۷ یخ ها ذوب شدند؛ استالین مرده بود. نینا گفته است: «واژه هایی که تبعید و منفور شده بودند، کم کم به من بازگشتند. پس از آن بهمنی از کتاب ها، کتاب ها و کتاب ها بود، یکی از پس دیگری. و دوباره شعر. مابین ۱۹۶۵ تا ۱۹۷۰ پنج سال فوق العاده داشتیم، از آزادی شگفت خود لذت می بردیم و همگی از این آزادی برای نوشتن هر آنچه آرزوی آن را پروراند بودیم، استفاده کردیم.» البته دهه ۱۹۷۰ اوضاع آشفته تر گشت و سخت گیری ها شدیدتر شد. نینا کاسیان دوباره به ساخت قطعات موسیقی روی آورد، اما به چاپ شعر، کتاب های کودکان و نقد فیلم ادامه داد.

سه

در ۱۹۸۵ که نینا کاسیان به این کشور آمد، هرگز به ذهنش خطور نکرد که شاید به رومانی بازنگردد. او که برای تدریس در دوره نویسندگی خلاق به دانشگاه نیویورک دعوت شده بود، در سپتامبر به آمریکا رسید و نیمسال آموزشی را با نشانه هایی از اقامتی دلپذیر آغاز کرد. کسی که چندین و چند سال همسر او بود، استفانسکو، چند ماه پیش تر فوت کرده و نینا از تغییر محیط و پذیرش چالش ملاقات و کار با نویسندگان و دانشجویان آمریکایی استقبال می کرد. بلافاصله مطلع شد که پیش تر موفق به دریافت بورسیه فولبرایت شده، اما مراجع قدرت هرگز او را در جریان نگذاشته اند. پس از چنین آغاز خوشایندی، در عرض دو ماه متوجه شد تحت هیچ شرایطی امکان بازگشت به رومانی برای او وجود ندارد. در تابستان ۱۹۸۵ پلیس از رفیق چندساله او، گئورگه اورسوا، مهندس و دوستدار هنر، بازجویی کرد و سرانجام

۱. Gheorghe Ursu: مهندس عمران، شاعر و خاطره نویس. او از فعالان جناح چپ و روشنفکری آوانگارد بود که در جوانی به حزب کمونیست رومانی پیوست و اندک زمانی پس از آن، از نظر خود برگشت و منتقد حزب شد. م.

او آزاد شد. اورسو رفیقی قدیمی بود و نینا تعطیلات تابستانی را با او در دهکده به ماهیگیری سپری می کرد. آن دو اغلب، مانند دوستان قدیمی، درباره ادبیات، زندگی و چشم انداز سیاسی شوخی می کردند و احساسات خود را درباره این امور به همدیگر می گفتند. وقتی نینا همچنان در نیویورک به سر می برد، مطلع شد که اورسو برای بار دیگر بازداشت شده است. پلیس در دفتر کار او، دفترچه خاطراتی کشف کرد که اورسو چهل سال آن را نگه داشته بود. این دفتر مدرکی مهم و معنادار بود؛ سندی که در آن اورسو تمام جنبه های زندگی خود را ثبت و سنسجیده به دوستان صمیمی خود با نام اشاره کرده بود. نینا مطلع شد که نه تنها نام او در دفترچه خاطرات ذکر شده است، بلکه اشعار نیشدار و کوینده هجوی که در آن ها به مراجع قدرت تاخته بود، با ذکر مشخص نام مؤلف و با دقت رونویسی شده اند. کاسیان پی برد که اورسو برای آن سند، به منظور ارائه اطلاعات جزئی تر درباره او بازجویی و متعاقباً شکنجه شده و پس از یک ماه مرده است. آن زمان بر او کاملاً آشکار شد که هرگز نمی تواند به بخارست برگردد. نینا کاسیان به من گفته است: «یک شاعر هرگز کشور خود، قلمرو خود و زبان خود را با اراده خودش ترک نمی کند؛ مگر هیچ چاره دیگری نباشد.» او تقاضای پناهندگی سیاسی به ایالات متحد را ارائه کرد و تقاضایش پذیرفته شد. کابوسی که باشکوه در شعرهای خود تصویر کرده بود (کشتی کشورش مانده در سکونی مرده، روی آب، بدون هیچ سکانداری برای هدایت^۱ و هجاهای دروغ که لب های راهبر را شکل می دهد^۲)، دیگر فقط تصاویر فرافکنی شده تخیلی نبوژند، بلکه همگی به واقعیت محض بدل گشته بودند. هر چند شاید در مصاف با آشفتگی، نینا در شعر خود پیروز نبرد شده بود، در زندگی باخته بود. حکم زندگی او، مانند خود مرگ، زمانی صادر شد که نینا در کریسمس ۱۹۸۷ مطلع شد مراجع قدرت خانه اش را در بخارست مهر و موم کردند. آن ها تمام وسایل خانه را خالی کرده بودند؛ تمام دست نوشته ها، نامه ها، نقاشی ها، دفترچه ها، قطعات موسیقی، سراسر کتابخانه اش

۱. اشاره دارد به شعر «سکون مرده گون» -م.

۲. شعری که حاوی جمله «هجاهای دروغ لب هایت را شکل می دهند» است، در این دفتر ترجمه نشده است -م.

و یادگارهای بسیار ارزشمند شخصی او از دوران مدرسه و سفرهایش، همه تعلقات یک زندگی غنی و کاملاً ادبی. چه بر سر آن وسایل آمده است، کسی نمی‌داند. نام او به خارج از ادبیات کشورش، آنتولوژی‌های آن، تاریخ آن و درسنامه‌هایش رانده شده بود. کتاب‌های او، حتی کتاب‌های کاملاً غیرسیاسی‌اش برای کودکان، همگی از چرخه چاپ و انتشار خارج شده بودند. در آن زمان، او کسی نبود؛ موجودیت نداشت؛ همچون یکی از شعرهای او که میزها سراسر پاک گشته بودند.^۱ تنها نمونه مشابهی که در تاریخ ادبیات امروز سراغ دارم، آلدوس هاکسلی^۲ است که شاهد سوختن تمام خانه‌اش روی تپه‌های بالای لس‌آنجلس بود؛ تمام خانه با همه نوشته‌هایی که از دوران بچگی آن‌ها را حفظ کرده بود، همراه یکایک مجلاتی که همسرش در طول عمر خود نگاهشان داشته بود. هاکسلی، همچون نینا، زندگی خود را دوباره آغاز کرده بود؛ لوح سپید زندگی. اما شروع نینا در کشوری بیگانه بود، با زبانی بسیار متفاوت با زبان مادری‌اش. این سازگاری آسان نبود. هنگام حضور دوباره‌ام در بخارست، بسیاری از دوستان نینا را دیدم؛ کسانی که در ملاقات قبلی‌ام در ۱۹۷۰ او را احاطه کرده بودند و از زمان غیبت او، حفره‌ای عمیق میان آن‌ها پدید آمده بود. بدون او گویی چیزی از بافت فرهنگی کشورش، چیزی از آنچه او بخشی حیاتی از آن محسوب می‌شد، جدا افتاده بود.

چهار

از آن‌جا که نینا کاسیان خود مترجمی درخشان به شمار می‌آید، از دشواری‌های فراهم‌آوری این مجموعه در زبان انگلیسی به خوبی اطلاع داشته است. برخی اشعار حذف شده‌اند، چرا که زیرساخت و تلمیحات آن‌ها در زبان اصلی، قابلیت انتقال به زبان مقصد را نداشتند. نینا کاسیان اغلب فرم‌های تودرتویی از شعر را به کار می‌برد که در قافیه‌بندی غنی‌اند. ریچارد ویلبور و دانا گیویا به طور چشمگیری در حفظ

۱. اشاره دارد به شعر «خون». م.م.

دقیق الگوی قافیه‌بندی اشعاری که در این مجموعه ترجمه کرده‌اند، موفق بوده‌اند. بسیاری از دیگر مترجمان نیز اشعار را نزدیک به نسخه اولیه ترجمه کرده‌اند. اما از آن‌جا که قافیه‌پردازی در زبان انگلیسی بسیار سخت‌تر از زبان رومانیایی است، برخی مترجمان ناچار شدند در راستای انتقال قدرت و معنای شعر اصلی، از آن به کلی صرف‌نظر کنند. مؤلف در این زمینه نه تنها به ایشان اجازه داد، بلکه تا آن‌جا که به روح اثر او لطمه نمی‌زد، مشوق مترجمان بود تا از آزادی چشمگیری برخوردار باشند. این چشمپوشی خراجی بود برای حفظ اعتبار و ارزش شعر نینا کاسیان تا روح آن به درستی در بسیاری از ترجمه‌های این مترجمان-شاعران پدیدار شود؛ ترجمه‌هایی که هر کدام با سبک مشخص هر یک از این مترجمان-شاعران به مقصد رسیده است.

نیویورک

فوریه ۱۹۸۹